

بررسی تطبیقی قصه تمثیلی *حُسن و دل* و *سفر زائر*حسن حیدری^{1*}، مسعود کشاورز²

1. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک

2. استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه اراک

دریافت: 1397/7/9

پذیرش: 1398/3/10

چکیده

موضوع این مقاله بررسی تطبیقی دو قصه تمثیلی *حُسن و دل* نوشته سبک نیشابوری و *سفر زائر* اثر جان بن یان است. از مهم‌ترین وجوه مشترک این دو قصه، شخصیت‌پردازی براساس صفات و ویژگی‌های انسانی و اعضای جسم آدمی است. این نوع شخصیت‌پردازی اگرچه نادر است، در زبان فارسی و انگلیسی نمونه دارد. وجه دیگر شباهت، حضور شخصیت‌های همنام و همانند در دو داستان است. تعداد شخصیت‌های هر دو داستان متنوع و متعدد است که از آن میان شخصیت‌هایی که قابلیت تطبیق دارند، انتخاب شده‌اند. سپس به شخصیت‌ها و مکان‌های یاریگر و شخصیت‌ها و مکان‌های مانع تقسیم شده‌اند. شخصیت‌های یاریگر در رسیدن سالک یا زائر به مقصد نقش دارند و شخصیت‌های مانع سد راه می‌شوند. شخصیت اصلی *سفر زائر* کریستین است که شخصیت‌هایی همچون صبر، بصیرت، سخاوت، نجابت، تدبیر، صداقت و معرفت او را همراهی می‌کنند. شخصیت‌های اصلی نمونه فارسی، *حُسن و دل* هستند که شخصیت‌هایی مانند نظر، خیال، صبر، دل، عشق، وفا و تبسم به کمک آن‌ها می‌شتابند. از جمله شخصیت‌های مانع در *سفر زائر*، خودرأی کاهل، ظاهرپرست، ریاکار و بدگمان، و در *حُسن و دل*، زرق، رقیب، غمزه جادو، ناز و زلف هستند. از وجوه تفاوت این دو داستان نیز، هدف، سبک بیان، تلمیحات و اشارات و درجه واقع‌نمایی و انتزاع قابل ذکر است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات تطبیقی، قصه تمثیلی، *سفر زائر*، *حُسن و دل*، شخصیت‌های یاریگر.



1. مقدمه

در این مقاله، قصه تمثیلی حُسن و دل¹ نوشته سبیک نیشابوری را با قصه تمثیلی سفر زائر² از جان بنیان، نویسنده و کشیش انگلیسی مقایسه کرده‌ایم. در اینجا یک نوع قصه و داستان تمثیلی مطرح شده که به لحاظ بسامد از قالب‌های کم‌کاربرد در ادب فارسی است و سعی شده با مقایسه و تطبیق آن با یک نمونه مشابه از ادب غربی، این اثر را از منظری دیگر مطالعه کنیم؛ زیرا به‌گفته برخی از پژوهشگران حوزه ادبیات تطبیقی، اثر ادبی فقط زمانی بخشی از ادبیات جهان مطرح می‌شود و حیات می‌یابد که به‌صورت مؤثر در ساختار ادبی فراتر از مرزهای فرهنگ مبدأ خویش شناخته شود (3: Dominguez, Saussy & Villanueva, 2015). سفر زائر یکی از مشهورترین تمثیل‌ها در ادبیات انگلیسی است. استعاره اصلی آن که «زندگی یک سفر است» آشناست. زائر (کریستین) با تجربیات روزانه و ملموس روبه‌رو می‌شود و خواننده را به یاد حکایت‌های آشنایی می‌اندازد که مسیح (ع) آن‌ها را نقل کرده است. البته بنیان با بیان تمثیلی آن را به سفری روحانی و معنوی تبدیل کرده است.

این قصه یک ماجراجویی است و بنیان آن را به تجربه‌های انسانی بسیار نزدیک می‌کند. چه آن‌گاه که توالی تجارب کریستین را از ابتدای قصه تا هنگام مرگ تصویر می‌کند و چه در مواقعی که شخصیت سایر مسافران مسیر را که هریک نمایانگر یکی از حالات روحی، فکری و اخلاقی هستند، پردازش می‌کند (Abrams, 1986: 1857).

مقصود اصلی بنیان تبلیغ دین مسیحی در شکل پیوریتن³ آن است. هرچند برخی بر این باورند که «سفر زائر داستان حقیقت‌جویی یک انسان فراسوی دوگانگی‌های فرهنگی است. نبوغ بنیان آمرزش‌جویی را چنان جهانی کرده است که زبان حال هر انسان شریف از هر دین و ایمانی است» (ابجدیان، 1383: 136). شهرت سفر زائر در زبان انگلیسی بسیار بیشتر از شهرت داستان حُسن و دل در زبان فارسی است. البته در عصر ما کتاب بنیان در هر منزلی یافت نمی‌شود؛ اما در زمانی نه‌چندان دور «در انگلیس تنها انجیل و آثار شکسپیر از مسافرت زائر بیشتر شهرت داشتند» (ابجدیان، 1371: 372). در مجموع سفر زائر به قصد تبلیغ دین مسیحیت نوشته شده؛ اما قصه حُسن و دل قصد تبلیغ دین خاصی را ندارد.

1.1. پیشینه تحقیق

گلناز حامدی (1381) اثر بن‌یان را با عنوان *سیروس‌سلوک زائر* ترجمه کرده است. نگارندگان این جستار در معادل‌یابی نام برخی از شخصیت‌ها و مکان‌ها از این ترجمه استفاده کرده‌اند. حسن ذوالفقاری در مقاله «منظومه حُسن و دل» (1384: 7-21) نویسنده و داستان را معرفی کرده و تقابل عقل و عشق را مهم‌ترین بن‌مایه آن شمرده است. ابوالقاسم رادفر (1388: 34-48) حُسن و دل را با سبرس نوشته اسدالله وجهی مقایسه کرده است. او قصه سبرس را نخستین تمثیل صوفیانه در زبان اردو قلمداد کرده و آن را برگرفته از حُسن و دل دانسته است. همچنین سوسن جبری در مقاله «حُسن و دل، خوانش صوفیانه خسرو و شیرین» (1391: 69-92) به وجود هشت نظیره و پنج ترجمه از حُسن و دل به زبان‌های مختلف اشاره کرده است. او بر آن است که سرچشمه این اثر را در خسرو و شیرین نظامی باید یافت. شخصیت‌های خسرو و شیرین نظامی در متن حُسن و دل به مفاهیم انتزاعی تبدیل شده و در قالب دو لایه معنایی اولیه و تأویلی، داستانی عاشقانه - صوفیانه را بیان کرده‌اند. نویسنده سپس با کمک جدول، شخصیت‌ها و مکان‌های همانند دو منظومه را معرفی کرده و نتیجه گرفته است که حُسن و دل خوانشی صوفیانه از خسرو و شیرین است. آسیه ذبیح‌نیا در مقاله «بررسی و تحلیل داستان غنایی حُسن و دل سبیک نیشابوری و رمان گل سرخ» (1391: 31-41) شباهت‌های دو اثر (رمان گل سرخ نوشته دو لوریس و دومونگ) را بیان کرده است. نویسنده بر آن است که در این دو اثر، تن و جان آدمی صحنه نمایش و اعضای بدن بازیگران این صحنه هستند. او ساختار صوری، زاویه دید، فرم، توصیف، موضوع و شخصیت یافتن مفاهیم انتزاعی در هر دو داستان را بررسی کرده و با کمک جدول، نیروهای همسو، بی‌طرف و مخالف شخصیت‌ها را معرفی کرده و چنین نتیجه گرفته که در پایان هر دو اثر، عشق جسمانی به عشق عرفانی تحول یافته است. زهرا پارساپور و آزاده مولایی در مقاله «تأملی بر داستان حُسن و دل سبیک نیشابوری» (1391: 15-31) بر استفاده از قالب داستان عاشقانه برای تبیین سلوک نفسانی و سیر الی الله تأکید کرده و گفته‌اند که این نکته از نگاه محققان و ادیبان پنهان مانده است.



تاکنون هیچ مقایسه تطبیقی بین داستان *حُسن و دل* و *سفر زائر* صورت نگرفته است و به همین دلیل نویسندگان موضوع تطبیق این دو داستان را دست‌مایه پژوهش حاضر قرار داده‌اند.

2-1. موضوع تحقیق و فرضیه

موضوع مقاله مقایسه تطبیقی دو قصه است. تا زمانی که تحقیقات آینده منشأ شرقی یا غربی این نوع تمثیل‌پردازی و بحث تأثیر و تأثر را مطرح کند، فرضیه نویسندگان این است که شباهت دو اثر عمدتاً از مقوله توارد و شباهت‌های عامی است که ممکن است بین آثار دو نویسنده یافت شود. هرچند به لحاظ موضوعی اثر جان بن‌یان یک سفر روحانی است و به لحاظ محتوا ممکن است قرابت بیشتری با سفرنامه‌های روحانی داشته باشد، نکات اشتراک و افتراق دو اثر به گونه‌ای است که امکان مقایسه و تطبیق آن دو را ممکن می‌سازد. سفرهای روحانی خود نوعی تمثیل مستقل محسوب می‌شوند و در فرهنگ شرق و غرب سابقه دارند؛ مثلاً *ارداویرافنامه* و *معراج‌نامه‌ها* در شرق و *کمدی الهی* در غرب نمونه‌های بارز سفر روحانی است. مقصود ما این گونه از تمثیل نیست؛ بلکه آنچه ما را به تطبیق دو داستان مذکور واداشته، بیشتر نوع شخصیت‌پردازی مشترک در دو اثر است. دو نویسنده، یکی در شرق و دیگری در غرب، دو داستان تمثیلی را پرداخته‌اند که شخصیت‌های هر دو از صفات، خوی‌ها، ویژگی‌ها و اعضای پیکر آدمی هستند.

از حیث تاریخ ادبی، *حُسن و دل* حدود دو قرن قبل از *سفر زائر* نوشته شده است. محتمل است که این قالب از شرق به غرب رفته باشد که بررسی آن به تحقیق جداگانه‌ای نیاز دارد. قصد ما یافتن وجوه شباهت و تفاوت میان دو اثر است.

قصه یکی از قالب‌های اصلی روایت است. *حُسن و دل* نیز یک قصه است و برخی از ویژگی‌های داستان‌های حماسی را نیز دارد که در مواردی با بن‌مایه‌های عرفانی درآمیخته است. روابط شخصیت‌ها نوعاً برگرفته از روابط حاکم بر دربار است و رسیدن به آب حیات و حضور خضر گویای استفاده از نمادهای عرفانی است. در *سفر زائر* نیز، دو وجه مبارزه و نمادهای عرفانی مشاهده می‌شود.

مهرداد بهار ویژگی خاص قصه را نقلی بودن آن دانسته است: «قصه‌ها با ویژگی نقلی بودن زیادشان کیفیتی بسیار سیال دارند» (1374: 79). به همین سبب احتمال فراملی بودن آن‌ها نسبت به نوع حماسه و داستان‌های حماسی که اغلب صبغه قومی دارند، بیشتر است: «قصه‌ها به شرط وجود شرایط اجتماعی و فرهنگی مناسب قادرند از مرزهای قومی و ملی فراتر روند و سرزمین‌های دور از هم و حتی دشمن با یکدیگر را درنوردند و یا موضوع‌ها و بن‌مایه‌های خود را حفظ کنند» (همان‌جا).

2. بخش نخست: وجوه تشابه

داستان *حُسن و دل* دو شخصیت اصلی دارد: دل فرزند عقل، پادشاه مغرب‌زمین، است که پدرش پادشاهی قلعه بدن را به او بخشیده و چون وصف آب حیات را می‌شنود، در جست‌وجوی آن برمی‌آید. حُسن دختر عشق، پادشاه دیار مشرق، است که بر شهر دیدار حکمرانی می‌کند و چشمه آب حیات در آن است. نظر از طرف دل عازم سفر می‌شود تا آب حیات را بیابد و برای سرور خویش به‌ارمغان آورد. او در مسیر خود حُسن را می‌بیند. حُسن گوهری دارد که صورتی بر آن نقش شده و جهت تعیین عیار، آن را به نظر می‌دهد. نظر صورت نقش‌شده را که همان دل است، به حُسن می‌شناساند و در زیبایی او داد سخن می‌دهد. حُسن عاشق دل می‌شود و درصدد وصال برمی‌آید. برای حصول به این مقصود، از نظر یاری می‌خواهد و سرانجام به وصال نائل می‌شود.

سفر زائر دو بخش دارد. شخصیت اصلی بخش اول کریستین است. او ساکن شهر فنا است که برای رسیدن به شهر رستگاری عازم سفر می‌شود. اوانجلیست یاور او در این سفر است. وی موانع بسیاری را پشت‌سر می‌گذارد تا سرانجام به رودخانه‌ای نزدیک می‌شود که با عبور از آن به مقصد می‌رسد. در بخش دوم، همسر او (کریستینا) و فرزندانش عازم سفر می‌شوند و با یاری دریادل به سرمنزل مقصود می‌رسند.

در هر دو داستان، کلیات و جزئیات همسانی مشاهده می‌شود که از میان آن‌ها شخصیت‌ها و مکان‌های مشترک بارزتر است. تعداد شخصیت‌های منفی در *سفر زائر* در هر دو بخش کتاب



81 نفر است که در بخش دوم اغلب آن‌ها مؤنث هستند. در حُسن و دل، شخصیت‌های منفی هشت نفر و شخصیت‌های مثبت چهارده نفرند. در سفر زائر، ده مکان منفی (مانع) و یازده مکان مثبت (یارِیگر) وجود دارد؛ درحالی که در حُسن و دل هفت مکان منفی و ده مکان مثبت به چشم می‌خورد.

با تطبیق شخصیت‌ها، بن‌مایه، زبان و قالب دو داستان، نقاط اشتراکی حاصل می‌شود که ذیلاً آن‌ها را توضیح می‌دهیم.

1.2. قالب بیان

قالب هر دو از نوع قصه یا روایت تمثیل⁴ی است. در اینجا قصه با داستان، روایت و حکایت به یک معنا به کار رفته است. «در زبان فارسی انواع گوناگون داستان هر یک نامی جدا و خاص خود ندارد و واژه‌های داستان، قصه، حکایت، مثل و تمثیل، اغلب مترادف یکدیگر به کار می‌رود» (پورنامداریان، 1389: 141-142). همانند سایر آثار تمثیلی، اینجا نیز هر یک از شخصیت‌ها نماینده یک فرد یا مفهوم هستند و با ذکر نام نماینده، مفهوم یا شخصیت متناظر به ذهن متبادر می‌شود و انتقال ذهنی صورت می‌پذیرد. این ویژگی با تعریف تمثیل در ادب اروپایی نیز همخوانی دارد: «تمثیل عبارت است از ارائه دادن یک موضوع تحت صورت ظاهر موضوع دیگر» (همان، 143). همچنین این اصطلاح به‌عنوان شیوه ادبی عبارت است از: «بیان یک عقیده یا یک موضوع نه از طریق بیان مستقیم، بلکه در لباس و هیئت یک حکایت ساختگی که با موضوع و فکر اصلی از طریق قیاس قابل مقایسه و تطبیق باشد» (همان‌جا). بر این مبنای پورنامداریان سفر زائر را «مشهورترین تمثیل کامل در انگلیسی» (همان، 143) می‌داند. از حیث انواع ادبی، برای نوع تمثیل چند «وجه» نیز قائل شده‌اند؛ مثلاً آن را به‌اعتبار شکل به «تشبیه تمثیلی، استعاره تمثیلیه، مثل، کنایه مثلی، اسلوب معادله، افسانه تمثیلی، حکایت تمثیلی و تمثیل رمزی» (حمیدی و شامیان، 1384: 76) تقسیم کرده‌اند. همچنین به‌اعتبار صراحت و عدم صراحت محتوا آن را به دو گونه کلی «تمثیل صریح» و «تمثیل رمزی» دسته‌بندی کرده‌اند (همان‌جا).

2-2. موضوع و بن‌مایه

موضوع و بن‌مایه هر دو داستان سفر از گونه نمادین آن است. در *سفر زائر*، کریستین چونان یک سالک برای رسیدن به مقصد سفر خود را آغاز می‌کند. در *حُسن و دل* نیز، دل برای رسیدن به آب حیات نخست جاسوسش، نظر، را راهی سفر می‌کند و سپس خود سفر می‌کند. سایر شخصیت‌ها نیز در هر دو داستان فراخور نقش خود، راه سفر درپیش می‌گیرند.

2-3. هدف والا

در هر دو قصه، یک هدف متعالی وجود دارد که ضمن آن هدف‌های دیگر نیز دنبال می‌شود. در *سفر زائر*، کریستین در جست‌وجوی رسیدن به رستگاری است و ضمن آن همسر و فرزندانش نیز عازم مقصد خویش هستند و به مقصود خود نائل می‌شوند. در داستان *حُسن و دل* نیز، دل خواستار رسیدن به آب حیات و سعادت ابدی است و ضمن آن، حُسن عاشق دل و در جست‌وجوی وصال است.

2-4. راهنما (هادی)

در هر دو داستان، یک شخصیت راهنما حضور دارد که وجودش برای هدایت و یاری قهرمان در عبور از موانع ضرورت دارد. در *سفر زائر*، خضر⁵ راهنماست و از همان ابتدای داستان نقش هدایت زائر را به‌عهده می‌گیرد. در داستان *حُسن و دل* نیز، خضر راهنماست؛ اما نقش خود را در پایان داستان ایفا می‌کند.

2-5. سادگی زبان



از نظر سادگی بیان نیز، دو متن مشابهتی دارند. سفر زائر زبان ساده‌تری دارد و برای خواننده عادی نیز قابل فهم است و همین امر یکی از دلایل شهرت آن شده و بسیاری از واژه‌ها و ترکیب‌های آن را بر زبان مردم جاری کرده است.

6-2. خواب و رؤیا

در هر دو داستان، رؤیای شخصیت اصلی روایت می‌شود. البته نقش آن در سفر زائر منفی است؛ چراکه نماد غفلت تلقی شده است. به خواب رفتن کریستین باعث شده که او آیات راهنما را که از او انجلیست هدیه گرفته است، گم کند و مجبور شود به دنبال آن‌ها بگردد:

"Now about the midway to the top of the hill, was a pleasant *Arbor* Thus pleasing himself a while, he at last fell into a slumber and then into a fast sleep [...] Roll fell out of his hand" (Bunyan, 1984: 35).

همچنین خواب در داستان حُسن و دل باعث شده است که غیر، دختر بدخو و نَمّام رقیب، با حيله و جادو طرحی دراندازد تا به وصال دل برسد: «غیر دل را دربرگرفت و بر تخت حُسن در خواب مستی بخفت» (سبیک نیشابوری، 1364: 39).

7-2. اسم و مسمّا

شبهات مهم دیگر ارتباط نام شخصیت‌ها با عملکرد آن‌هاست. در سفر زائر، اسم‌ها معمولاً از مسمّای خود متابعت می‌کنند؛ مثلاً شخصیت مذکر وفادار⁶ در سفر زائر نقش اصلی خود را که یاری کریستین و وفاداری به اوست، تا آخر داستان ایفا می‌کند. او نخستین بار زمانی ظاهر می‌شود که کریستین از یک باربر می‌پرسد که آیا به‌جز او زائر دیگری در این مسیر دیده شده و چون باربر اسم او را می‌گوید، درمی‌یابد که این فرد همان همسایه اوست:

"I know him, he is my Townsman, my near Neighbor, he comes from the place where I was born" (Ibid, 46).

در حُسن و دل نیز، وفا دختر مهر است و دل را یاری می‌دهد تا به وصال حُسن برسد.

همچنین توبه⁷ در سفر زائر نقش اصلی خود را ایفا می‌کند. او از آنچه بر زائر و دوستش وفا⁸ در شهر آن‌ها گذشته، پشیمان است و می‌خواهد کاری بکند. درباره همشهری‌های خود که بر کریستین و دوستش ظلم روا داشته‌اند، می‌گوید:

"They are much more moderate now than formerly. You know how Christian and Faithful were used at our town; but of late, I say, they have been far more moderate" (Ibid, 229).

در داستان حُسن و دل نیز، توبه اسمی بامسماست که نقش خود را ایفا می‌کند. او دستور بازداشت نظر را پیگیری می‌کند. نظر فرزند زرق راهب ساکن «کوه زهد و ریا» است و نقش منفی دارد.

8-2. شخصیت‌های یاریگر و تطبیق آن‌ها

در هر دو قصه، شخصیت‌های یاریگر در کنار قهرمان‌ها برای رسیدن به هدف و وظیفه خود را انجام می‌دهند و در مقابل شخصیت‌های مانع در مسیر سالک سد راه می‌شوند. این شخصیت‌ها گاه در نام و عملکرد، هر دو، مشابه هستند و گاهی فقط در نام مشابه و در عملکرد متفاوت‌اند. در جدول زیر اسامی شخصیت‌های یاریگر هر دو داستان درج شده است:

Patience	Goodwill	Prudence	Piety	Charity	Discretion	Faithful وفادار	شخصیت‌های یاریگر سفر زائر
حسین	نیکی‌اندیش	تدبیر	تجارت	سخاوت	بصیرت	Honesty	
Grace	Mercy	Knowledge	Experience	Porter	Watchful	Interpreter	
عظوفت	شاکر	معرفت	آزمودگی	ساحب	مراقب	Great Grace	فایس
Gauis	Reliever	Hopeful	Great Heart	Sincere	Innocent	نظر	شخصیت‌های یاریگر حُسن و دل
سالک پیر	رهایی‌بخش	امیدوار	دربادل	مخلص	معموم	بهر	
عشق	صبر	خیال	ساق	قامت	آن‌طین		
			بسیم	وفا	حمت		

8-2.1. صبر: صبر در سفر زائر همانند کودک تصویر شده و همچون کسانی است که برای رسیدن به نعمت‌های جهان آخرت انتظار می‌کشند:

"But Patience is willing to wait" (Ibid, 25).



اما در داستان حُسن و دل، یک سردار جنگی است که از طرف دل منسوب شده و به شهر دیدار می‌رود (سیبک نیشابوری، 1364: 31). صبر در هر دو داستان، از حیث نام کاملاً منطبق و از حیث عملکرد متفاوت است.

2-8-2. وفادار: وفادار همسایه زائر است و زائر در میانه راه به او می‌رسد. هنگامی که پای زائر در راه می‌لغزد، وفادار دست او را می‌گیرد و از زمین بلندش می‌کند:

"But not taking good heed to his feet, he suddenly stumbled and fell, and could not rise again, until *Faithful* came up to help him" (Bunyan, 1984: 55).

در حُسن و دل، وفا نام دختری است که در زمان زندانی شدن یک‌ماهه دل در چاه، به یاری حُسن می‌آید و او را به باغ دل‌گشا دعوت می‌کند تا دل را در آنجا ملاقات کند (سیبک نیشابوری، 1364: 36). این شخصیت هم به لحاظ نام و هم از حیث نقش تطبیق دارد.

3-8-2. دریادل: او در سفر زائر به کریستیانا و همراهان او کمک می‌کند تا بتوانند ابتدا راه خود را به سوی «منزلگاه و جاهت»⁹ و در نهایت «شهر سماوی»¹⁰ پیدا کنند:

"The Interpreter then called for a Man- servant of his, one *Great-heart*, and bid him take sword, and Helmet and Shield, and take these my Daughters, said he, and conduct them to the House called Beautiful" (Bunyan, 1984: 172).

شخصیتی که از حیث عملکرد در حُسن و دل با دریادل انطباق دارد، نظر است. او به دل کمک می‌کند تا همراه خیال به شهر دیدار برسند (سیبک نیشابوری، 1364: 26). این دو شخصیت از حیث نام متفاوت‌اند.

4-8-2. فیاض: در سفر زائر، شخصیتی پهلوانی دارد. زمانی که راهزنان به سست‌عهد¹¹ که در مسیر رستگاری قرار گرفته، حمله می‌کنند، او را یاری می‌کند و آن‌ها از ترس فرار می‌کنند:

"Thieves stood by. but at last, they hearing that some were upon the Road, and fearing lest it should be one *Great Grace* that dwells in the City of *Good Confidence*, they betook themselves to their heels, and left this good man to shift for himself" (Bunyan, 1984: 103).

شخصیت قابل تطبیق با فیاض در حُسن و دل آن حُسن، از پریان کوه قاف، است که از طرف خال حُسن معرفی شده و هنگامی که حُسن در مقابله با لشکر دل شکست می‌خورد، به یاری او می‌شتابد. همان طور که سست‌عهد مشمول فیض الهی می‌شود، اما بدون یاری فیاض

امکان طی طریق ندارد، حُسن نیز بدون یاری آن حُسن نمی‌تواند بر دل پیروز شود و به وصال او برسد:

خال او گفت: بدان که تو را از پریان کوه قاف همزادی است، او را به‌اشارت «آن حُسن» خوانند و اگر کسی بر دل ظفر تواند یافتن «آن» است و دیگر، هرکس از این معنا بر کران است. لشکر عقل و دل هرچند دلآوری کنند، «آن» است که همه را می‌شکند (سیبک نیشابوری، 1364: 33).

جنسیت این دو شخصیت در دو داستان متفاوت است. در حُسن و دل، آن حُسن یک پری و همزاد مذکر حُسن است؛ اما در سفر زائر فیاض پهلوان است. در نتیجه نامشان متفاوت، اما نقش آن‌ها مشابه است.

9-2. شخصیت‌های مانع و تطبیق آن‌ها

درمقابل شخصیت‌های یاریگر، شخصیت‌های مانع نیز در هر دو داستان حضور دارند و همانند شخصیت‌های یاریگر، برخی تشابه نام و نقش دارند و برخی نام مشابه، اما نقش متفاوت دارند:

Pagan شیطانپرست	Blasphemy تکبر	Gracious برخودوار	Mistaken دشمنان	Hypocrite ریاکار	Formalist ظاهرپرست	Sloth کسل	Phable زودگو	Obstinate عوربان	شخصیت‌های مانع در سفر دگر
Doubling Castle قلعه‌شکاف و ترمید	Giant Despair غول باس	Mischievous Apollon اپولون	Let's Gait راه	Faint Heart زدان	Little Faith سست‌دعا	Vain Confidence اعتقاد باطل	Discontent ناخوش	Stanton مانع	
	زالف	زلف	زلف	غولزاد جانور	زود	زود	زود	زود	شخصیت‌های مانع در حُسن و دل

9-2-1. ظاهرپرست و ریاکار: در سفر زائر، دو شخصیت به‌نام‌های ظاهرپرست و ریاکار حضور دارند که قصد آن‌ها رسیدن به رستگاری از مسیر میان‌بُر و بدون طی کردن تپه مصائب است. به همین سبب آن‌ها مسیر را گم می‌کنند:

"Next he showed them the two *by-ways* that were at the foot of the Hill, where *Formality* and *Hypocrisies* lost themselves. And, said he, These are dangerous paths" (Bunyan, 1984: 177-188).



شخصیت متناظر این دو در حُسن و دل، زرق راهب است. او همانند یک شخصیت کهن سال توصیف شده که در «عقبه زهد و ریا» ساکن است (سیبک نیشابوری، 1364: 17). هم متظاهر است و هم توصیه به تظاهر می‌کند: «زرق گفت: بدان که سرچشمه آب حیات در باغ جنان است و در این جهان چشم گریان یافتن آن را نشان است. باید که در شورابه گریه تزویر کوشی تا شربت شیرین صفای اعتقاد خلق بنوشی» (همان، 18).

2-9-2. توبه و پشیمانی: در سفر زائر، دو شخصیت به نام‌های توبه و پشیمانی حضور دارند. آن‌ها هم‌نقش و ساکن «شهر باطل»¹² هستند. مطابق اسم خود، از کرده خویش پشیمان‌اند و سعی می‌کنند هم به کریستین و هم به کریستیانا (همسر زائر) و فرزندانش کمک کنند تا به مقصود برسند؛ درحالی که نقش توبه، پسر زرق، در حُسن و دل ایجاد مانع در مسیر نظر است. بدین روی، اسم توبه در بخش دوم سفر زائر مطابق مسماست، ولی در حُسن و دل نیست.

2-9-3. نقش دیو: در سفر زائر، هفت نوع دیو حضور دارند که آن‌ها نیز از شخصیت‌های مانع محسوب می‌شوند؛ مثلاً دیوی به نام آپولیون از ایادی شیطان است و ابتدا سعی می‌کند زائر را از میانه راه بازگرداند، ولی چون از این کار ناامید می‌شود او را به مرگ تهدید می‌کند و زائر را به جنگ با خود وامی‌دارد. دو دیو به نام‌های پاپ و مال به صورت نمادین به کلیسای کاتولیک و کلیسای انگلستان اشاره دارند. عدد هفت نیز نمادین و نشانگر اهمیت آن در فرهنگ مسیحیت است. اما در حُسن و دل فقط یک دیو به نام رقیب هست که نقش سنتی خود را - که ایجاد مانع میان عاشق و معشوق است - ایفا می‌کند. او ساکن شهر سگسار است و می‌خواهد نظر را از رسیدن به شهر دیدار بازدارد. می‌توانیم آن را به تقریب با دو دیو ناامیدی و تردید در سفر زائر مقایسه کنیم؛ چراکه در رسیدن به معشوق، همانند آن‌ها مانع محسوب می‌شود. سایر دیوها عبارت‌اند از:

The Giant Pope دیو پاپ	The Giant Pagan دیو شیطان پرست	The Giant Slay-good دیو قاتل اعظم	The Giant Maul مال	The Giant Grim or Bloody-Man دیو تباهی (خون آشام)	The Giant Diffidence دیو تردید	The Giant Despair دیو ناامیدی
---------------------------	--------------------------------------	---	-----------------------	---	-----------------------------------	----------------------------------

10.2. مکان‌های یاریگر

در هر دو قصه، مکان‌های یاریگر و مکان‌های مانع وجود دارد. نخست نام مکان‌های یاریگر و مثبت درج می‌شود:

French Land فرانس	Fountain of Mercy چشمه رحمت	Celestial City شهر سماوی	Valley of Humility دره تواضع	Fountain of Life چشمه حیات	The Hill Clear کوه تیره	The Palace of Beautiful موتلک و زیاده	Delictable Mountains کوهستان دلنشینان	Immanuel Land سرزمین برکت	مکان‌های یاریگر سفر نام
							City of Good Confidence شهر اعتماد		
							پایه حیات	شهر حیات	مکان‌های یاریگر حسن و رف

10.2.1. سرزمین برکت: در داستان سفر زائر، مکان مثبتی به نام سرزمین برکت وجود دارد

که از آنجا دروازه‌های شهر سماوی دیده می‌شود:

"Then he asked the name of the Country; they said it was Immanuel Land [...] And when thou comes there, from thence, thou maist see to the Gate of the Celestial city" (Bunyan, 1984: 45).

در حُسن و دل نیز، از شهر عافیت جست‌وجوی آب حیات آغاز می‌شود: «نظر و غمزه صومعه زهد و ریا را از پای درآوردند و از آنجا به جانب شهر عافیت روی نهادند و به رسم پوست‌پوشان قلندر تغییر صورت دادند» (سیبک نیشابوری، 1364: 29). سالک از سرزمین برکت شهر سماوی را می‌بیند و بدین‌گونه مسیر حرکتش مشخص می‌شود. در حُسن و دل نیز، مسیر رسیدن به آب حیات با رسیدن به شهر عافیت معین می‌شود.



2-10-2. کوهسار شادی بخش: در مسیر سالک رشته کوهی به نام کوهسار شادی بخش قرار گرفته که به زائر در طی مسیر آرامش می بخشد؛ زیرا به او اطمینان می دهد که به بهشت تقرب بیشتری یافته است. این رشته کوه نیز مانند سرزمین برکت از آن مسیح است:

"They went then, till they came to the Delectable Mountains, which mountains belong to the Lord of that Hill of which we have spoken before" (Ibid, 97).

در حُسن و دل نیز، باغ جنان جایگاه آب حیات است: «زرق گفت بدان که سرچشمه آب حیات در باغ جنان است» (سیبک نیشابوری، 1365: 18).

وقتی سالک به جبال شادی بخش می رسد، گویی به بهشت نزدیک تر شده است؛ چنان که در حُسن و دل، وقتی نظر به جست و جوی آب حیات فرستاده می شود، ابتدا به دنبال یافتن باغ جنان است؛ چون رسیدن به آنجا زمینه را برای رسیدن به آب حیات مهیا می کند.

2-10-3. بهشت برین: در سفر زائر، سرزمینی به نام بهشت برین وجود دارد که بسیار آرامش بخش است. آنجا خورشید همواره می درخشد، و رای دره مرگ واقع شده و هیولای ناامیدی را بدان راه نیست و از دیدرس قلعه شک و تردید نیز دور است و از آنجا مقصد یا شهر سماوی دیده می شود:

"In this Country the sun shineth night and day; wherefore this was beyond the Valley of the *shadow of death*, and also out of the reach of Giant Despair; neither could they from this place so much as see *Doubting Castle*. Here they were within sight of City they were going to" (Bunyan, 1984: 97).

در حُسن و دل، باغ دل گشا دارای چشمه ای به نام چشمه آشنایی و قصری به نام وصال است. در این مکان است که حُسن و دل یکدیگر را می بینند. شباهت در این است که در بهشت برین زائر یقین حاصل می کند که مرگ، ناامیدی و تردید همگی از وجود او رخت بر بسته اند و وصال میسر شده است. در حُسن و دل نیز رسیدن به باغ دل گشا مقدمه رسیدن به چشمه آشنایی و آرمیدن در قصر وصال است. بدین گونه سالکان در هر دو داستان به وصال می رسند.

2-10-4. در سفر زائر، مکانی به نام شهر اطمینان هست که فیاض در آن سکونت دارد و به سست عهد امان می دهد تا به دست راهزنان نیفتد. در حُسن و دل نیز، شهر هدایت مکانی است

که نظر به آن وارد می‌شود و با کمک همت، پادشاه شهر، به مسیر خویش ادامه می‌دهد. چنین است که در هر دو اثر زمانی که زائر یا مسافر دچار مشکلی می‌شود، با کمک این افراد از خطر رهایی می‌یابد و در مسیر دلخواه قرار می‌گیرد.

11.2. مکان‌های مانع

مکان‌های مانع یا منفی که مانع رسیدن سالک به مقصد هستند:

Inchanted Ground سورسین سحرزنده	Town of Apostasy شهر ارتداد	Dead Man's Lane کورده مردگان	City of Destruction شهر فنا	Country of Greed سورسین از	Vanity Fair بازار بطلان	Town of Vanity شهر بطلان	Hill of Difficulty تپه دشواری	Slough of Despond باتلاقی نامیدی	مکان‌های مانع در سفر زائر
					Dark land دیار ظلمت	Town of Uncertainty دیار ناامنی	Forgetful Green دشت سیر ظلمت	Doubting Castle قلعه تردید	
					شهر سگسار سوزن‌خیزان	صومعه عقل	چاه فتن	قلعه معرین	مکان‌های مانع در حُسن و دل

11-2-1. قلعه تردید: در سفر زائر، مکانی به نام قلعه تردید هست که در آن کریستین و

امید به دست غول یأس زندانی می‌شوند:

"The Giant therefore drove them before him, and put them into his Castle, into a very dark Dungeon" (Ibid, 93).

شخصیت متناظر آن در حُسن و دل قلعه هجران است که دل در آنجا به دست رقیب به

زنجیر کشیده می‌شود.

11-2-2. تپه دشواری: در سفر زائر، جایی صعب‌العبور در راه رسیدن به شهر موعود

محسوب می‌شود و با شهر سگسار - اولین مانع شهر دیدار - و عقبه زهد و ریا در حُسن و دل قابل مقایسه است.

11-2-3. شهر بطلان: در سفر زائر، مانعی به نام شهر بطلان هست که رفتن بدانجا برای

زائر و همراهان خطرناک است. به علاوه در این شهر بازاری به نام بازار بطلان وجود دارد که احتمال سالک را به خویش مشغول می‌سازد و از ادامه سلوک باز می‌دارد:

"And the name of that Town is Vanity; and at the Town there is a Fair kept called Vanity Fair. It is kept all the year long, it beareth the name of Vanity Fair" (Ibid, 72).



در حُسن و دل، مکانی به نام منزل مارپایان هست که نظر در راه رسیدن به شهر دیدار به دست مارپایان گرفتار می شود (سیبک نیشابوری، 1365: 22).

شخصیت‌ها به موانع برخورد می کنند و با نبرد آن‌ها را پشت سر می گذارند تا شخصیت اصلی یا قهرمان به مقصد خود برسد؛ مثلاً در سفر زائر، دریادل بارها می جنگد تا راه را برای کریستیانا و همراهان هموار کند. همچنین در حُسن و دل، نبردهای مختلف بین سپاهیان حُسن و دل درمی گیرد. غمزه، قامت و زلف مدام بر سپاه عقل شیخون می زنند. البته تعداد موانع در سفر زائر بیش از حُسن و دل است.

3. بخش دوم: وجوه تفاوت

- 3.1. بخش بندی دو اثر:** سفر زائر در دو بخش مجزا به رویدادهایی می پردازد که بر کریستین و خانواده اش می گذرد؛ اما حُسن و دل در یک بخش ارائه شده است.
- 3.2. واقع گرایی:** سفر زائر بیشتر تحت تأثیر مستقیم تعالیم کتاب مقدس و سبک نگارش آن است؛ اما شخصیت‌ها و نقش‌های آن‌ها به گونه‌ای پردازش شده است که با تجربه‌های روزانه زندگی نیز مشابهت دارد. طبق نظر پریچارد، بنیان اغلب تلمیحات انجیلی را چنان با رویدادهای جهان واقعی ترکیب می کند که باعث شگفتی است و این ویژگی خاصه در به تصویر کشیدن طبیعت انسانی به چشم می آید. به بیان او، در بخش دوم این کتاب، محور اصلی تمرکز قصه از حماسه فردی به مشکلات اجتماعی تغییر می یابد و در آن مسائلی همچون ازدواج‌های برون همسری به میان کشیده می شود و نیاز به وحدت عملکرد در پیروی از دستورات کلیسا و مشکلاتی که بعضی اعضای گروه مانند بزدل¹³ و بلاهت¹⁴ در تطبیق خویش با زندگی به روش کلیسا، با آن روبه رویند، مطرح می شود (Pritchard, 2010: 187-189). درحالی که در حُسن و دل، این موارد بیشتر در قالب مفاهیم انتزاعی تصویر شده‌اند.
- 3.3. تلمیحات و اشارات:** سفر زائر مملو از تلمیحات و اشارات انجیلی است که از دیدگاه بینامتنیت نیز جلب نظر می کند؛ اما حُسن و دل چندان پایه تلمیحی ندارد، مگر مضمون آب حیات و حضور پیر که برگرفته از تعالیم تصوف اسلامی است.

4.3. سبک نگارش: بن‌یان سبک نوشتار خود را از نثر مترجم انگلیسی انجیل اقتباس کرده است. او با انتخاب این سبک توانسته است جزئیات ملموسی را در اختیار عادی‌ترین خوانندگان خویش قرار دهد و آن‌ها را در تجارب شخصیت‌ها شریک کند. اما *حُسن و دل* در مقایسه با *سفر زائر* آن روانی و سادگی را که لازمه جذب خواننده عادی است، ندارد. به‌علاوه به‌علت غلبه مفاهیم انتزاعی بر کلیت قصه، *حُسن و دل* در ایجاد انگیزش و بیان تجربیات مشترک میان شخصیت‌های قصه و مخاطب، هم‌ارز *سفر زائر* نیست. *سفر زائر* نفوذ خود در گفتار و نوشتار زبان انگلیسی را از طریق عبارت‌ها، شخصیت‌ها و مکان‌های خویش تاکنون حفظ کرده است. درحالی که شعاع نفوذ *حُسن و دل* در این حد نیست.

5.3. هدف: هرچند در خلق اثر ادبی اهداف مختلفی نهفته، به هر روی نویسنده *سفر زائر* کشیش است و قصد تبلیغ کیش مسیحیت و رسیدن به رستگاری از این طریق را دارد. نیت او از ابتدا روشن است و کریستین را عازم سفری می‌کند که هدف آن رسیدن به شهر رستگاری است. اما نویسنده *حُسن و دل* به‌وضوح چنین نیتی ندارد یا دست‌کم آن را بیان نمی‌کند. نظر نویسندگان این جستار آن است که نویسنده *حُسن و دل* نیم‌نگاهی هم به داستان هبوط و سپس تعالیم تصوف داشته؛ اما در مجموع قصد او قصه‌پردازی و ایجاد سرگرمی است. این هدف با روح کلی ادبیات عصر نویسنده که در آن به معماگویی و چیستان‌پردازی اشتغال داشته‌اند، سازگارتر است.

6.3. تنوع و تعداد موانع: در *سفر زائر*، موانع متنوع است؛ درحالی که *حُسن و دل* فاقد چنین تنوعی است. یکی از علل این امر به حجم دو اثر مربوط می‌شود؛ *سفر زائر* مفصل‌تر از *حُسن و دل* است. موضوع *سفر زائر* یک سیر روحانی است که برپایه رسیدن به رستگاری شکل گرفته و ذاتاً چنین تفصیلی را گریزناپذیر می‌سازد؛ درحالی که *حُسن و دل* به‌رغم موضوع آن (عشق) با محدودیت پرداخت مواجه است.

7.3. پویایی شخصیت: هر دو داستان پویایی شخصیت دارند؛ اما نوع پویایی آن‌ها متفاوت است. در *سفر زائر*، کریستین زائری است که در انتهای سفر تبدیل به قدیس می‌شود و در *حُسن و دل* شخصیت اصلی از مقام عاشق به تائب می‌رسد.



8.3. تنوع مفاهیم تمثیلی: تعداد مفاهیم تمثیلی در سفر زائر با توجه به حجم اثر قابل توجه است و بیشتر در قالب شخصیت‌های داستانی خلق شده است؛ درحالی که مفاهیم مذکور در حُسن و دل که حجم کمتری دارد، با تعادل نسبی میان مکان‌ها و شخصیت‌ها همراه است. در سفر زائر، جمعاً 81 شخصیت مثبت و منفی همراه 21 مکان مثبت و منفی هست. در حُسن و دل، 17 شخصیت مثبت و منفی و 22 مکان مثبت و منفی وجود دارد. بنابراین در سفر زائر، نسبت شخصیت به مکان معادل چهاربه‌یک است؛ درحالی که در حُسن و دل، این نسبت به حدود یک‌به‌یک می‌رسد.

9.3. مرگ‌اندیشی: مفهوم مرگ در نقش مکان، در سفر زائر قوی است و با نام‌هایی چون دره سایه مرگ¹⁵ و مسیر مردگان¹⁶ بارها ذکر شده است؛ اما در حُسن و دل این مفهوم چندان بروز ندارد.

10.3. شخصیت تواضع: فروتنی یا تواضع چه به‌صورت شخصیت تمثیلی و چه در قالب مکان در حُسن و دل حضور ندارد؛ درحالی که در سفر زائر طرح این مفهوم بسامد زیادی دارد.

جدول شخصیت‌های تطبیق‌یافته در دو داستان

Christian, Christiana	حُسن و دل
Faithful	وفا
Contrite	توبه
Evangelist	خضر
Patience	صبر
Great Heart	نظر
Great Grace	آن حُسن
Immanuel Land	شهر عافیت
Delectable Mountain	باغ جنان
Beula Land	باغ دل‌گشا
City of Good Confidence	شهر هدایت

Hypocrisy-Formalist	زرق راهب
Doubting Castle	قلعه هجران
Hill of Difficulty	شهر سگسار
Town of Vanity	منزل ماریابان
The Giant Despair The Giant Diffidence	رقیب

4. نتیجه

در مقاله حاضر، داستان تمثیلی سفر زائر برخاسته از فرهنگ غرب را با داستان تمثیلی حُسن و دل برگرفته از فرهنگ شرق مقایسه تطبیقی کردیم. عمده‌ترین وجه شباهت دو داستان در نوع خاص شخصیت‌پردازی است. شخصیت‌های هر دو داستان ویژگی‌ها، صفات انسانی و اعضای پیکر او هستند. نام اغلب شخصیت‌های هر دو داستان، اعم از مانع و یاریگر، بر نقش آن‌ها در داستان دلالت می‌کند. مقایسه تطبیقی شخصیت‌ها نشانگر آن است که برخی از آن‌ها در هر دو داستان متناظر و شخصیت‌های اصلی هر دو پویا هستند. بیان تمثیلی، بن‌مایه سفر هدفمند، وجود راهنما، خواب و رؤیا، انطباق یاریگرها و موانع از سایر وجوه شباهت شمرده می‌شوند. تفاوت دو اثر را در میزان واقع‌گرایی، نوع پویایی، تعداد و تنوع شخصیت‌ها، تنوع مفاهیم تمثیلی و میزان تلمیحات یافتیم که مجموعاً در سفر زائر بسامد بیشتری دارد. سبک نگارش سفر زائر که در دو بخش روایت شده، از حُسن و دل که در یک بخش روایت شده، ساده‌تر و



هدف نگارش آن نیز متفاوت است. مفهوم مرگ در سفر زائر بارزتر از حُسن و دل است و همچنین مفهوم تواضع در حُسن و دل مطرح نشده است.

پی‌نوشت‌ها

1. محمدبن یحیی سبیک خراسانی و منتسب به نیشابور است. وفات او را در سال 852ق ذکر کرده‌اند. غیر از حُسن و دل آثاری چون شبستان خیال، ده نامه، شبستان نکات و گلستان لغات و دستور عشاق را نوشته است. حُسن و دل به زبان‌های ترکی، انگلیسی و آلمانی ترجمه شده است.
2. John Bunyan: نویسنده انگلیسی متولد 1628م و درگذشته به سال 1688م است. آثار متعددی نوشته است که مهم‌ترین آن‌ها سفر زائر (*The Pilgrim's Progress*) است. این کتاب که در 1678م نوشته شده، به بیش از 100 زبان ترجمه شده است. نام کامل آن در زبان اصلی *The Pilgrim's Progress from This World to That Which Is to Come* است.
3. puritanism: یا تزکیه‌خواهی شاخه‌ای از پروتستانسیم انگلیسی است که به دلیل ناخشنودی از تشکیلات مذهبی دوران الیزابت، به دنبال تطهیر کلیسا از قالب‌های غیرانجیلی بود.

4. allegory
5. Evangelist
6. Faithful
7. contrite
8. Faithful
9. the house of beautiful
10. celestial city
11. Little Faith
12. Town of Vanity
13. Fearing
14. Feeble-Mind
15. The Valley of the Shadow of Death
16. Dead Man's Lane

منابع

- پارساپور، زهرا و آزاده مولایی (1391). «تأملی بر داستان حُسن و دل سبیک نیشابوری». *کهن‌نامه ادب پارسی*. 3. ش 1. صص 15-31.
- پورنامداریان، تقی (1389). *رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی*. ج 7. تهران: علمی و فرهنگی.

- جبری، سوسن (1391). «حُسن و دل خوانش صوفیانه خسرو و شیرین». فصلنامه متن‌شناسی ادب فارسی. د 4 ش 4. صص 69-92.
- حامدی، گلناز (1381). سیر و سلوک زائر. تهران: مدحت.
- حمیدی، جعفر و علی‌اکبر شامیان (1384). «سرچشمه‌های تکوین و توسعه انواع تمثیل». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز. س 48. صص 75-107.
- ذبیح‌نیا، آسیه (1391). «بررسی و تحلیل داستان غنایی حُسن و دل سبیک نیشابوری و رمان گل سرخ». فصلنامه ادبیات فارسی و زبان‌های خارجه دانشگاه پیام نور. س 1. ش 1. صص 31-41.
- ذوالفقاری، حسن (1384). «منظومه حُسن و دل». مجله مطالعات و تحقیقات ادبی دانشگاه خوارزمی. ش 5-6. صص 7-32.
- رادفر، ابوالقاسم (1388). «بررسی تطبیقی سب‌رس و جهی با حُسن و دل و دستور عشاق سبیک نیشابوری». فصلنامه ادبیات تطبیقی جیرفت. ش 12. صص 34-48.
- سبیک نیشابوری، محمدبن یحیی (1364). حُسن و دل. به کوشش غلامرضا فرزانه‌پور. چ 2. تهران: طهوری.
- Abjadian, A. (2003). *A Literary History of England*. 10 Vols. Shiraz: Shiraz UP.
- Abrams, M.H. (1986). *The Norton Anthology of English Literature*. 5th Ed. New York: W.W. Northon & Company, Inc.
- Bunyan, J. (1984). *The Pilgrim's Progress*. Oxford: Oxford UP.
- Dominguez, C., H. Saussy & D. Villanueva (2015). *Introducing Comparative Literature: New trends and applications*. London: Routledge.
- Guillen, C. (1993). *The Challenge of Comparative Literature*. Cola Franzen (Trans.). Cambridge: Harvard University Press.
- Hawkins, J.M. (Ed.) (1988). *The Oxford Reference Dictionary*. Oxford: Oxford UP.
- Jost, F. (1974). *Introduction to Comparative Literature*. New York: Pegasus.
- Pritchard, P. (2010). *The Long 18th Century Literature from 1660-1790*. London: York Press.